



تحلیل کاریکلماتور در شعر «أحمد مطر» و استراتژی‌های بیانی آن

حسین مرتضایی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان
محسن سیفی^۱، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان
علی نجفی ایوکی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان

تاریخ دریافت: ۳۹۷/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

چکیده

طنز و مطایبه قالب‌ها و سبک‌های متعددی دارد که یکی از این قالب‌ها «کاریکلماتور» است؛ گونه‌ای از نوشته کوتاه مطایبه‌آمیز که به قصد برجسته‌سازی تضادها، با نگرشی متفاوت به دنیا و پدیده‌های پیرامون آن توجه می‌کند. در میان طنزپردازان معاصر عربی، «أحمد مطر» یکی از پرکارترین و نامدارترین آنان در این زمینه محسوب می‌شود؛ وی به عنوان شاعری متعهد، در اشعار خود سیرت سوژه‌های خود را بازآفرینی می‌کند و از رهگذر آن، تضادهای معنوی و ناهمسویی حرف با عمل و ناهماهنگی صورت با سیرت آنان را فرادید مخاطبان اشعار خویش قرار می‌دهد. نگارندگان در جستار پیش‌روی برآند تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، در گام نخست به تعریف و ارائه نمونه‌هایی از کاریکلماتور در شعر «أحمد مطر» به عنوان پیشگام این فن در ادب معاصر عربی بپردازند و در گام بعدی به دسته‌بندی و تشریح برخی از استراتژی‌هایی که شاعر در کاریکاتورنویسی از آنها بهره جسته، اقدام نمایند. از آنجا که «أحمد مطر» کاریکاتورست نیز بوده، لذا برای نشان‌دادن قابلیت ارجاع تصویری کاریکلماتورهای وی، چند کارتون و طرح کاریکاتوری ضمیمه کاریکلماتورهایش شده است. نتیجه پژوهش حاکی از این است که «أحمد مطر» با بهره‌گیری از شیوه کاریکاتورنویسی و نشان‌دادن تناقضات و تفاوت‌های موجود، از سویی نقاب را از چهره حاکمان بی‌عمل و بیهوده‌گوی کشورهای عربی کنار می‌زند و از دیگر سو، بی‌تفاوتی و انفعال شهروندان عرب را فرادید مخاطبان خویش قرار می‌دهد و از رهگذر آن، رؤیای رسوایی حاکمان و اصلاح مردم سرزمینش را در سر می‌پروراند.

کلیدواژه‌ها: طنز، کاریکلماتور، استراتژی‌های بیانی، ترسیم، أحمد مطر.

مقدمه

شاعران امروز که خود را در برابر انبوهی از دشواری‌ها و پیچیدگی‌های انسانی مسئول می‌دانند، برآند تا برای حل این نابسامانی‌ها و ناهمگونی‌ها از تمام ظرفیت‌های موجود سود ببرند. طنز و استفاده از زبان طنزآمیز و مطایبه‌گری یکی از این ظرفیت‌هاست که برای خود، قالب‌ها و سبک‌های متعددی دارد. یکی از این قالب‌ها «کاریکلماتور» است. واژه «کاریکلماتور» امروزه در نزد برخی از منتقدان به عنوان نوع ادبی و از زیرمجموعه‌های طنز و مطایبه پذیرفته شده که از ترکیب دو واژه انگلیسی و فارسی «کاریکاتور» و «کلمات» ساخته شده است. این واژه را «احمد شاملو» در زبان فارسی به نوشته‌های کوتاه و مطایبه‌آمیز «پرویز شاپور»، کاریکاتوریست و طنزنویس معاصر اطلاق کرد و تحت همین عنوان برای نخستین بار در ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ در مجله «خوشه» به چاپ رسانید. وی این اصطلاح را از پیوند کاریکاتور و کلمه ساخت؛ بدین قصد که همان کاری که یک کاریکاتوریست در عالم نقاشی می‌کند، شاپور در حوزه زبان انجام می‌دهد (رستگارفسایی، ۱۳۸۰: ۳۰۲).

درباره اصطلاح کاریکلماتور و تعریف آن اظهارنظرهای متفاوتی ارائه شده است؛ اما بطور خاص «جمله‌های ساده، صمیمی، کوتاه، طنزآمیز (یا مطایبه‌آمیز)، ادبی، غیرجدی و کاریکاتوری» (حسین‌پور، ۱۳۸۵: ۹۸) به عنوان کاریکلماتور شناخته می‌شوند. در تعریفی دیگر، کاریکلماتور را کوچکترین واحد طنز به مفهوم مطلق آن دانسته‌اند (اکسیر، ۱۳۸۷: ۲۰). به طور کلی، کاریکلماتور گونه‌ای از نثر یا شعر کوتاه طنز است که با نگرشی متفاوت، به قصد برجسته‌سازی به دنیا و پدیده‌های پیرامون توجه می‌کند و برخی آن را «کاریکاتوری که با کلمات بیان می‌شود» (صلاحی، ۱۳۸۴: ۱۲) نیز تعریف نموده‌اند.

در تعریفی دیگر از کاریکلماتور آمده است: «سخنان کوتاه حکیمانه و طنزآوری است که گاهی به کلمات قصار نزدیک می‌شود؛ زیرا در آن نکته‌ای است» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۳۷). با دقت در تعریف ارائه شده می‌توان اینگونه برداشت کرد که ژرف‌ساخت یک کاریکلماتور طنز است و اساساً طنز هر چند جزئی و کم رنگ، جزو ذات کاریکلماتور به حساب می‌آید و با آن هم‌پوشانی معنایی شدیدی دارد و کاریکلماتور بین دو

محدوده طنز و فکاهی در حرکت مداوم است و در جایی که هدف خندانند است، به مطایبه و آنجا که خنده برای استهزاء مشکلات است، به طنز پهلو می‌زند. از مهمترین ویژگی‌های کاریکلماتور می‌توان به ایجاز و کوتاهی، تصویرپردازی، استفاده از بازی‌های بیانی و هنجارگریزی اشاره کرد. این‌گونه از لحاظ موضوع و مضمون، دسته‌ها و قالب‌های متفاوتی چون منتقدانه، شاعرانه، فیلسوفانه و... را دربرمی‌گیرد، اما به نظر می‌رسد که بهترین تقسیم‌بندی آن، تقسیم‌بندی به سه دسته کاریکلماتورهای لفظ‌گرا، تصویرگرا و معناگرا باشد. «کاریکلماتور از لحاظ تخیل و استفاده از آرایه‌های ادبی و موضوعی گاه به شعر پهلو می‌زند و در مواردی با جملات قصار و مثل‌ها قابل مقایسه است؛ اگرچه نباید فراموش کرد که کاریکلماتور با استفاده از پیشینه جملات قصار بود که پا به عرصه وجود نهاد. وجه مشترک گونه‌های مختلف کاریکلماتور، مضمون‌سازيست» (طالبیان، ۱۳۹۱: ۱۵).

هدف از کاریکاتورگویی را می‌توان بازسازی زندگی به قصد شوخ‌طبعی یا انتقاد دانست. به عبارتی دقیق‌تر، کاریکلماتور یا کاریکاتور کلمات، سبکی نوین در طنز معاصر است که می‌کوشد با استفاده از بازی‌های کلامی و به‌کارگیری شگردهای ادبی، ظرفیت‌های بیان‌شده زبان را به نمایش بگذارد و با برهم‌ریزی عادت‌ها، به شیوه آشنایی‌زدایی از همین مفاهیم کلیشه‌ای و روزمره، دنیایی از ذهنیت‌های نو بیافریند (همان).

با وجود اینکه در ادبیات کهن و جدید عربی، شواهدی از این نوع ادبی دیده می‌شود، اما تاکنون پژوهش علمی و دقیق درباره آن انجام نشده و بررسی نمونه‌های مفصل آن نیازمند تحقیقی کامل‌تر است به‌ویژه اینکه شاعری به نام «أحمد مطر» - که از چاشنی کاریکلماتور در شعرهایش بهره‌ها برده و بسامد کاربست آن شگرد بیانی در شعرش بسیار زیاد است - نیز از دید سخن‌سنجان پنهان مانده و همین امر اهمیت و ضرورت پژوهش پیش روی را دوچندان می‌کند.

پیشینه تحقیق

درباره شعر و شاعری «أحمد مطر» تاکنون پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت پذیرفته که برخی از آن‌ها به عنوان منبع در نوشته حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها عبارتند از:

۱. «مهم‌ترین عناصر معنایی شعر أحمد مطر» (مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳: ۱۳۸۴) از حامد صدقی و مرتضی قدیمی؛ در این پژوهش چهار عنصر معنایی در شعر این شاعر طنزپرداز استخراج و بررسی شده که عبارتند از ۱- بی‌پروایی و بلندنظری شاعر ۲- ستمگری و تکبر حاکم ۳- بدبختی و ستم‌پذیری مردم ۴- پستی و پلیدی جاسوسان.
۲. «زبان در گفتمان طنز أحمد مطر» (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۲: ۱۳۸۶) از فرامرز میرزایی و ناهید نصیحت؛ نویسندگان در این مقاله ویژگی‌های زبان طنز در شعر مطر را مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند.
۳. «شیوه کاربرد طنز در تصاویر فکاهی أحمد مطر» (مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۰: ۱۳۸۷) از یحیی معروف که نویسنده در آن شیوه طنز در اشعار أحمد مطر را مورد بررسی قرار می‌دهد و به خلق تصاویر نمایشی طنزگونه در آثار او نیز اشاراتی می‌کند.
۴. «رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و أحمد مطر» (مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۷: ۱۳۹۱) از فرهاد رجبی که از منظر طنز، سروده‌های دو شاعر فارسی و عربی زبان را مورد بررسی قرار داده است.
۵. «افسانه تمثیلی و کارکرد آن در شعر أحمد مطر» (مجله نقد ادب معاصر عربی، شماره ۴: ۱۳۹۲) نوشته محمود حیدری که در آن به تبیین روایت داستان‌هایی از زبان حیوانات در قالب نماد و تمثیل پرداخته شده است.
۶. «بررسی ژرف‌ساخت‌های ناسازواری در طنز تلخ أحمد مطر» (مجله نقد ادب معاصر عربی، شماره ۱۵: ۱۳۹۷) از شمسی واقف‌زاده و داوود جهانوند؛ نویسندگان این مقاله به جستجو اجزاء، عناصر و اقسام ناسازواری و همچنین اهداف بکارگیری آن در طنز تلخ

أحمد مطر پرداخته‌اند.

۷. «بررسی انواع متناقض‌نما در تعبیر شعری أحمد مطر» (دوفصلنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۷: ۱۳۹۸) نوشته بهنام فارسی و علی بیانلو؛ نویسندگان این پژوهش، ضمن تبیین مفهوم متناقض‌نما و مشخص کردن تفاوت آن با آبرونی، کارکرد متناقض‌نما و انواع آن را در شعر این شاعر بررسی کرده‌اند.

بررسی عناوین و محتوای پژوهش‌های یادشده القاکننده این حقیقت است که به رغم بررسی جنبه‌های مختلف شعری أحمد مطر، تاکنون گونه ادبی کاریکلماتور در آثار وی مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است و همین امر اهمیت تحقیق را دوچندان می‌نماید. لذا این جستار برای اولین بار از این جنبه شعر وی را مورد واکاوی قرار می‌دهد تا هنر او را از این منظر فرادید مخاطب قرار دهد.

پرسش‌های تحقیق

مقاله حاضر که با هدف شناساندن گونه ادبی کاریکلماتور و بررسی نمودهای آن در شعر «أحمد مطر» نگاشته شده، بیشترین توجه خود را معطوف به پاسخگویی به پرسش‌هایی کرده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. چه موضوعاتی زیرساخت موضوعی کاریکلماتور أحمد مطر را تشکیل می‌دهد؟
۲. شاخصه تکنیک‌های شاعر و نوآوری‌های وی برای بازی با کلمات، تصاویر و مضامین کدامند؟

جلوه کاریکلماتور در اشعار أحمد مطر

«أحمد مطر»، شاعری نوپرداز و شکل شعر او به تعبیری ملموس، برای خواننده ایرانی، شکل نیمایی است. سبک شعر مطر را شکل کامل شده‌ای از سبک «نزار قبانی» دانسته‌اند؛ سبکی که خود قبانی به آن، نام «تلگراف‌های شعری» داده است (حسینی و بیدج، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۶۰). شعر وی بسیار آهنگین و دارای صبغه سیاسی است و البته تصویری بزرگنمایی شده از مشکلات کشورهای عربی. «أحمد مطر» در اشعارش سعی دارد آینه‌ای

تمام‌نما و تصویری کاملاً گویا را از چهرهٔ حاکمان ارائه دهد، تا شاید از طرفی حاکمان با دیدن سیمای واقعی خود، دست از ظلم و ستم برداشته و از طرفی دیگر مردم خفت و خواری را رها کرده، بر ضد ظلم حاکمان ستمگرشان دست به اقدام عملی زده و بنیان ظلم و جورشان را برچینند.

«وی شاعری نوگراست که در دنیای شعر غوطه‌ور می‌شود و با اسلوبی متمایز در آن نوآفرینی می‌کند؛ سخنانش روشن و ترکیباتش ساده است و پیچیدگی ندارد؛ گرچه این روشنی بیان - که از اختیارات هنر شاعری است - به مذاق منتقدان شعر او خوش نیامد؛ با این استدلال که او از زبان شعر دور شده و به ورطهٔ خطا افتاده‌است.» البته انتخاب زبان ساده و روان از سوی شاعر دلیل بر ناتوانی وی در سرودن اشعار پیچیده نیست؛ او که در خود توان چنین سرایشی را می‌بیند، در بجایی آورده: «من می‌توانم در نیم ساعت یک دفتر کامل از دفترهای گنگ و پیچیده که فقط با آن بازار پر می‌شود و کسی پیدا نمی‌شود که آن را بخواند و بفهمد، بسرایم؛ ولی سرودن سه بیت واضح به اندازه سوزاندن یک جنگل انبوه است؛ زیرا ساده نویسی سخت‌ترین نوع نویسندگی است» (مطر، ۲۰۰۱: ۲۸۴).

از مشخصه‌های بارز شعر مطر، استفادهٔ فراوان از تلمیحات، اقتباس‌های قرآنی، احادیث معصومین و مهم‌تر از همه استفادهٔ مناسب از طنز با شیوه‌های مخصوص خود به رغم سادگی زبان شعری‌اش است. شکل‌گیری شعری طنزآمیز با بن‌مایهٔ سیاسی بر زمینه‌ای از روایت‌های «مینی مالیستی» در بسیاری از شعرهای او داستانی منظوم را پدید می‌آورد که به زلالی هرچه تمام‌تر روایت منجر می‌شود و با مقطع‌های درخشانش خواننده را غافلگیر می‌کند. صورت‌بستن چنین مؤلفه‌هایی در شعر «أحمد مطر»، مسبوق به سابقهٔ درخشان شاعر در تجربه‌کردن عرصه‌های متفاوتی چون کاریکاتور، روزنامه‌نگاری و داستان‌نویسی است. به همین جهت است که منتقدان شعری در این خصوص نوشته‌اند: «به نظر ما سبک أحمد مطر، سبک ساده و فشرده‌ای است که می‌توان آن را کاریکاتوریسیم شعری نامید» (حسینی و بیدج، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

با نگاهی گذرا به اشعار مطر، بخصوص اشعار سیاسی و اجتماعی‌اش که در واقع خط مشی او در قبال جامعه و مردم است، چنین می‌نماید که وی برای القای خواسته‌های خود و جلب توجه مخاطبین و تاثیرگذاری هرچه بیشتر کلامش از این نوع ادبی به وفور بهره‌جسته است؛ مطر که در کارنامه هنری خویش تجربه روزنامه‌نگاری را در کنار شاعری دارد، در کسوت مصلح اجتماعی، نمی‌تواند در برابر کاستی‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی دوران خویش سکوت پیشه کند در نتیجه با ابزار بازی با کلمات و تصویری کردن زبان و با بیانی تهکّم‌آمیز و وارونه، به انتقاد از نابسامانی‌های جامعه و تابوشکنی از سمبل‌های دروغین و ساختگی می‌پردازد. شیوه خلاقانه او در کاریکلماتورهایش به گونه‌ای است که هم می‌توان از روی تک تک ساختار کاریکلماتور او چندین طرح متفاوت کشید، و هم می‌توان درباره آن یک مقاله مفصل نوشت. به دلیل سابقه «أحمد مطر» در کشیدن طرح و کاریکاتور، بسیاری از کاریکلماتورهای وی از ارجاع تصویری برخوردارند و می‌توان آن‌ها را به تصویر کشید. از این رو می‌توان کاریکلماتورهای وی را نشانه‌ای از پیوند درست نوشته و تصویر دانست.

بسیاری از سروده‌های «أحمد مطر»، کاریکاتورهایی هستند که اجرا نشده‌اند و وی با هنرمندی جای کلمه و خط را عوض می‌کند. به دلیل همین ویژگی تصویری کاریکلماتورهای مطر است که در اغلب اوقات منظور وی در یک یا چند جمله موجز، بی‌نیاز از توضیح اضافه به خواننده انتقال می‌یابد. آنچه پس از خواندن اشعار مطر در ذهن نقش می‌بندد، این است که وی خصلت و ذهنیت تصویری دیدن دنیا را وارد اشعارش نموده و از آن به عنوان امتیازی خاص برای القای مفهوم خود بهره‌جسته است که این ویژگی در کاریکلماتورهای وی به راحتی قابل مشاهده می‌باشد. به عنوان مثال در جایی از این شاعر می‌خوانیم: «في مطارٍ أجنبي/ حدّق الشرطي بي- قبل أن يطلب أوراقی - ولّمّا لم يجد عندي لساناً أو شفّةً/ زمّ عينيّه وأبدى أسفه قائلاً: / أهلاً وسهلاً يا صديقي العربي^۱» (مطر، ۲۰۰۱: ۹۶).



همچنان‌که از متن برمی‌آید، مطر در این نمونه شعری، از زبان بریدهٔ اعراب که چون آپاندیس از سوی نظام‌های عربی، عمل جراحی شده‌است، همچون برگهٔ هویت اعراب سخن می‌گوید. وی به عنوان شاعری مبارز، رنج‌ها و مصیبت‌های جهان عرب را به بهترین شیوهٔ طنز، به تصویر می‌کشد. هدف او خندانند نیست، بلکه نیت والایی چون مبارزه با استبداد، حفظ ارزش‌های دینی و اسلامی، به سخره‌گرفتن جهل و سنت‌های ناپسند، جلوگیری از شدت جریان‌های افراطی و تاکید بر رفتار متعادل دارد. تصاویر شعری او همراه با طنزی دلنشین، به جای به همراه داشتن خنده، حالتی را برای مخاطب و خواننده پدید می‌آورد که او را بین یک اثر فکاهی و طنز یا اثری خشن، دلهره آور و آزاردهنده قرار می‌دهد؛ بی‌آنکه مرز دو حالت خنده و گریه یا خوشایندی و دلهره را دریابد. به تعبیری می‌توان تلفیق این تصاویر و مفاهیم کمیک و دلهره‌آور که کاریکلماتورهای سیاسی و اجتماعی مطر القاگر آن هستند را مصداق بارز «گروتسک»^۲ در تعبیر شعری وی دانست.

کاریکلماتورهای «أحمد مطر» درون‌مایهٔ سیاسی و اجتماعی دارد؛ وی می‌کوشد عنصر آگاهی را بیشتر از هر عنصری در مخاطبان خویش تبلور بخشد. او با چشمانی از جنس سیاست شعر می‌گوید. به عبارتی دیگر، با چشمانی از جنس شعر به خوانش سیاست می‌نشیند و با صدایی عصیان‌زده و بدون هیچ ملاحظه‌ای موضع سیاسی خود را اعلام

تحلیل کاریکلماتور در شعر «أحمد مطر» و استراتژی‌های بیانی آن ۱۶۵

می‌کند. وی در این راه از تمامی امکانات زبانی و صنایع بدیعی در ابعاد گسترده در شعر خود بهره می‌برد تا کرامت و عزت از دست رفته مردم سرزمینش را به آنان برگرداند.

به عنوان نمونه در سروده «شؤون داخلية» لگدمال‌شدن شرافت و عزت ملت‌های عرب را با بیانی کاریکاتوری به زیبایی به تصویر می‌کشد و می‌گوید: «أعطنا يا ربُّ جنسية أمريكا/ لكي نغيا كراماً / في البلاد العربية^۳» (همان: ۱۳۸).

مطر در این قطعه، با استفاده از تهکمی ظریف، شأن و کرامت از دست‌رفته ملت عرب را مطالبه می‌کند؛ در حقیقت چنین می‌نمایاند که گویی خواننده، مردمانی معترض و پلاکارد بدست را مشاهده می‌کند که خواهان داشتن ملیتی آمریکایی هستند تا در سرزمین‌های اجدادی خویش، که مردمانش خوار و ذلیل شده‌اند، بتوانند عزتمندانه به حیات خود ادامه دهند.

مهم‌ترین ویژگی ساختار نحوی کاریکلماتورها، کوتاهی جملات آنهاست. در حقیقت اولین ویژگی ظاهری کاریکلماتورها که به چشم می‌آید، کوتاهی جملات و به طور کلی، شکل ظاهری کاریکلماتور است (طالبیان، ۱۳۸۸: ۱۷). به بیانی دیگر ایجاز و کمینه‌گرایی، شرط اساسی و مهم در این گونه ادبی است. ایجاز، فشردگی در زبان یا همان که صورتگران روسی آن را به عنوان قانون رعایت اقتصاد در کوشش‌های خلاق خوانده‌اند، در کاریکلماتور بسیار اهمیت می‌یابد. «أحمد مطر» خود به این مهم اشاره می‌کند و می‌گوید: «من در تمام اشعارم ایجاز به کار می‌برم و این صفت، یکی از پایه‌های ثابت شعر من شده است. من شعرهای بسیاری دارم که هیچ یک از نه یا ده واژه تجاوز نمی‌کند» (حسینی و بیدج، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

کمینه‌گرایی و فشردگی مطر در بیشتر سروده‌های کاریکلماتور محور وی قابل دریافت است. به عنوان نمونه در سروده «التَّهْمَة» - که با زبانی طنزآمیز برای ترسیم جو خوفناک و پلیسی موجود در جامعه عرب ارائه شده، دست به خلق تصویری کاریکاتوری می‌زند و می‌گوید: «كُنْتُ أَسِيرُ مُفْرَدًا / أَحْمَلُ أَفْكَارِي مَعِي / وَمَنْطِقِي وَمَسْمَعِي /

فازَدَحَمَّتْ مِنْ حَوْلِي الْوَجُوهُ / قَالَ لَهُمْ زُعَيْمُهُمْ: خَذُوهُ / سَأَلْتُهُمْ: مَا تُهْمَتِي؟ / فَقِيلَ لِي: تَجْمَعُ
مَشْبُوهٌ.^۴ (مطر، ۲۰۰۱: ۱۰)

صرف نظر از داستان محوری و کمینه‌گرایی کاریکلماتورهای «أحمد مطر»، استفاده از صورخیال و تصاویر فنی، وسیله‌ای مناسب برای زیباسازی کلام و بیان مقصود است که شاعر همواره از آن در اشعار خود به بهترین شکل بهره برده است. وی رنج‌های امت عربی را در اشعار خود با طنزی دلنشین و خلق تصاویر کاریکاتوری به تصویر می‌کشد و با صدای مردم میهنش هم‌آواز و در دردهایشان شریک می‌شود. فریاد آزادی، مبارزه با استبداد و خودکامگی حاکمان دیکتاتور و بیان اوضاع نابسامان سیاسی با تصویرآفرینی شاعر همراه گشته و زیبایی متن شعری را دو چندان کرده است. به عنوان نمونه در جایی آورده است: «كَلْبٌ وَالنَّيْنَةُ الْمَعْظَمَةُ عِظِّي الْيَوْمَ وَمَاتَ / فِدْعَانِي حَارِسُ الْأَمْنِ لِأَعْدَمِ / إِنَّ كَلْبَ السَّيِّدِ الْوَالِي تَسْمَمُ» (همان: ۳۳) در این شعر کوتاه، واقعیت تلخ بی‌ارزشی جان شهروندان عادی با ارائه تصویری کاریکاتوری و طنزی تلخ ارائه شده است.

«أحمد مطر» را قبل از هر چیز باید از شاعرانی برشمرد که با سلاح شعر برآن است تا جامعه خویشتن را از گزند آسیب‌های سیاسی و اجتماعی حفظ کند. وی از طرفی با حاکمان مستبد رودررو می‌شود و از طرف دیگر فراروی خود مردمانی ستمدیده می‌بیند که باید برای احقاق حقیقتشان بکوشد: «كُلُّمَا حَلَّ الظُّلَامُ / جَدَّتِي تَرُوي الْأَسَاطِيرَ لَنَا حَتَّى نَنَامَ / جَدَّتِي مُعْجَبَةٌ جِدًّا / بِأَسْلُوبِ النَّظَامِ» (همان: ۶۱).

شاعر در این قطعه کوتاه با آوردن تشبیهی زیبا و ظریف؛ کار مادر بزرگش را در خواباندن کودکان، به نظامی تشبیه می‌کند که در تلاش است با سانسور خبری و روش‌های دیگر مردم را در خواب غفلت و ناآگاهی فرو برد. ناکارآمدی راهکارهای سیاسی و اجتماعی جامعه، شاعر را وادار می‌کند از هر روشی برای آگاهی‌بخشی و اصلاح امور بهره گیرد و به نظر می‌رسد او سلاح زبان را بیش از هر سلاحی در این رهگذر کارآمد دانسته است.

استراتژی‌های کاریکلماتورنویسی در شعر أحمد مطر

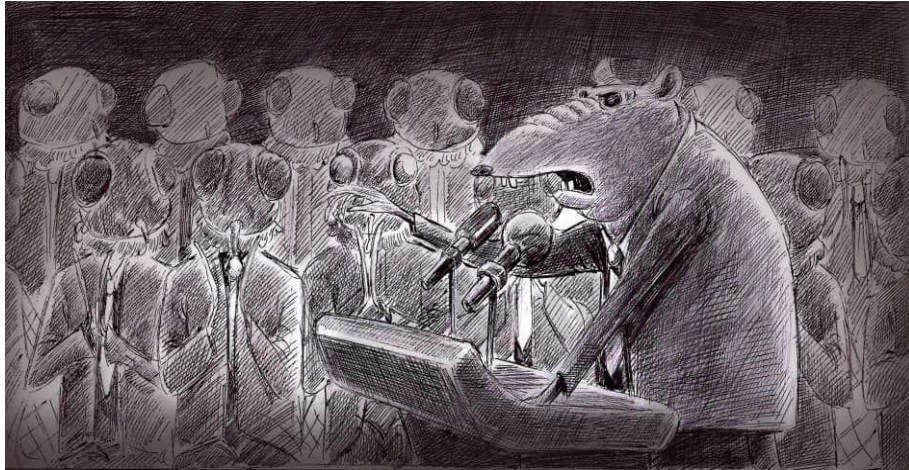
«أحمد مطر» از یک سو کاریکلماتوری رندانه و آغشته به ریشخند را در جای جای شعرش به کار می‌گیرد و از دیگر سو هوشمندانه به مجموعه‌ای از شگردها و تمهیدات زبانی و فرمی دست می‌زند تا اشعارش از گزند شعارزدگی در امان بماند و غنایی پنهان در اندام سطرهای به ظاهر ساده روان شود.

(<http://www.bashgah.net/fa/content/show/40762>)

وی پیوسته تلاش می‌کند تا مضامین باریک و غریب بیافریند و برای خلق چنین معانی، از ترفندها و تکنیک‌های مختلف بهره می‌گیرد که یکی از این ترفندها بازی با کلمات است. از این رو ابزارها و استراتژی‌های ادبی در ابعاد گسترده در شعر مطر به چشم می‌خورد و این حضور گسترده، به گونه‌ای است که به هیچ‌رو تظاهر صنعتی و تکلف‌آمیز ندارد. از آنجاکه یکی از ویژگی‌های ادبی کاریکلماتورها بخصوص کاریکلماتورهای مطر، تصویری بودن آنهاست و نمایش و تصویر با کاریکلماتورها ارتباط عمیقی دارند، در این قسمت از پژوهش در کنار ذکر برخی از تکنیک‌ها و شگردهای ادبی او در کاریکلماتورهایش، با ارائه چند طرح و تصویر کاریکاتوری، و تلفیق این دو، به معرفی بهتر این شیوه‌ی ادبی، پرداخته می‌شود.

کاریکلماتور و تشخیص

«أحمد مطر» در کاریکلماتورهای خود با تصویرسازی برآمده از استراتژی «تشخیص» یا همان «انسان‌نگاری» حرکت و پویایی خاصی بدان‌ها بخشیده است. با نگاهی گذار به سروده‌های شاعر می‌توان دریافت که وی با مهارتی خاص می‌کوشد با کاربست استراتژی یادشده در کاریکلماتورهای خود به انتقاد از حاکمان بی‌لیاقت پردازد و از رهگذر آن ابزار، مفهوم سازی نماید: «رأيت جرداً/ يخطبُ اليومَ عن النظافة/ و يندرُ الأوساخ بالعقاب/ وحوله يصقُّ الذبابُ»^۷ (مطر، ۲۰۰۱: ۱۱).



قدرت تصویرسازی مطر در این شعر به راحتی نمایان می‌گردد؛ وی با بهره‌گیری از صنعت تشخیص و ارائه تصویر خطبه‌خوانی و هشداردهی موش و دست زدن مگس‌ها، بی‌تناسبی و ناهمخوانی حرف و عمل صاحبان قدرت و میزان چاپلوسی اطرافیان آنان را با واژگان به تصویر کشیده‌است تا از این رهگذر به مخاطب القا کند که کار حاکمان عرب وارونه‌گرایی است و همگی اهل ریا و دورویی هستند. «مطر در وراء این تصویر، حقیقت دردناک دیگری را پنهان داشته و آن وجود حاکم ظالمی است که جماعت منافق در گرد او به تشویق مشغولند. از سویی دیگر شاعر با بکارگیری واژه «رأیت» خود را وارد تأیید یا ردّ این نقد نمی‌نماید بلکه کار را به شنونده وا می‌نهد» (واقف‌زاده و جهانوند، ۱۳۹۷: ۱۲) این ناسازواری^۸ در خلال بیان تناقض بین دو طرف یعنی موش و دارو دسته‌اش از یک‌سو و پاکی و نظافت از سوی دیگر، یا به عبارتی حاکم و اطرافیانش و ملت شریف مظلوم آشکار است، در حالی که شاعر تناقض را انکار می‌کند (غنیم، ۱۹۹۸: ۲۵۲).

شاعر در سروده «انتساب» از رهگذر آرایه تشخیص و با ارائه گفتگویی که بین گربه و موش جاری می‌شود با ظرافتی دقیق، پوچی و بی‌هویتی کنونی عرب‌ها را برای مخاطب به تصویر می‌کشد، افتخار آنان به گذشتگان را به باد تمسخر و ریشخند می‌گیرد و این چنین دست به آفرینش کاریکلماتوری ظریف و پرمغز می‌زند: «بعد ما

طارده الكلب واضناه التعب / وقف القطُّ على الحائطِ مفتول الشَّنْب / قال للفأرة: أجدادي
أسودُّ / قالت الفأرة: هل أنتم عرب؟» (مطر، ۲۰۰۱: ۵۸)

شاعر ادعای دروغین اعراب در افتخار به گذشتگان را در این شعر به باد استهزاء گرفته، ترس و عقب‌ماندگی امروزیین آنها را به تصویر می‌کشد و افتخار به گذشته را سخنانی باطل می‌داند. با خواندن این قطعه شعری تصویر مضحک و کاریکاتوری در ذهن مخاطب نقش می‌بندد که خود، حاصل تناقض موجود در گفتار و رفتار گربه می‌باشد؛ او اعراب را گربه‌ای می‌پندارد که از دست سگی گریخته، اما به محض دیدن موشی ضعیف از افتخارات گذشتگان نام می‌برد که این رفتار متناقض گربه، ناخودآگاه یادآور این جمله معروف است: (من آنم که رستم بود پهلوان) در این قطعه، شاعر دست به نمادسازی می‌زند و گربه را حاکم دست‌نشانده عرب فرض می‌نماید و سگ را نماد کشورهای سلطه‌گر که حاکم از آنان حساب می‌برد و با موش که معادلی از شهروندان سرزمین‌های عربیست با وقاحت هر چه تمام، با زبان زور برخورد می‌کند. شاعر با طرح پرسشی تهکمی در قسمت پایانی این نمونه شعری، اعراب معاصر را بخاطر بالیدن به گذشته درخشان‌شان، بی‌عملی آنان و به‌سربردن در وضعیت اسفناک کنونی، مورد تمسخر و نیشخند قرار می‌دهد و چنین اذعان می‌کند که این بالیدن به گذشته، وضعیت کنونی شما را تغییر نمی‌دهد. ضرب‌آهنگ شعر و ایقاع آن در کنار سلامت و شیوایی بیان باعث رقت و زیبایی هر چه تمام‌تر این تصویر کاریکاتوری طنزآمیز شده که خود آمیخته‌ای از سخریه گزنده و غم و اندوه است.

کاریکلماتور و تشبیه

گونه‌های مختلف تشبیه، «أحمد مطر» را در بیان مفاهیم ذهنی‌اش یاری می‌کند؛ وی در ارائه کاریکلماتور چنان از تشبیه بهره می‌برد که مفهوم موردنظر برای مخاطب باورپذیر می‌گردد. به عنوان نمونه در جایی با کاربری استراتژی تشبیه گفته است: «أستتنا كبرة / ولسن من عافية / أن يكبرُ الورمُ» (همان: ۴۸).



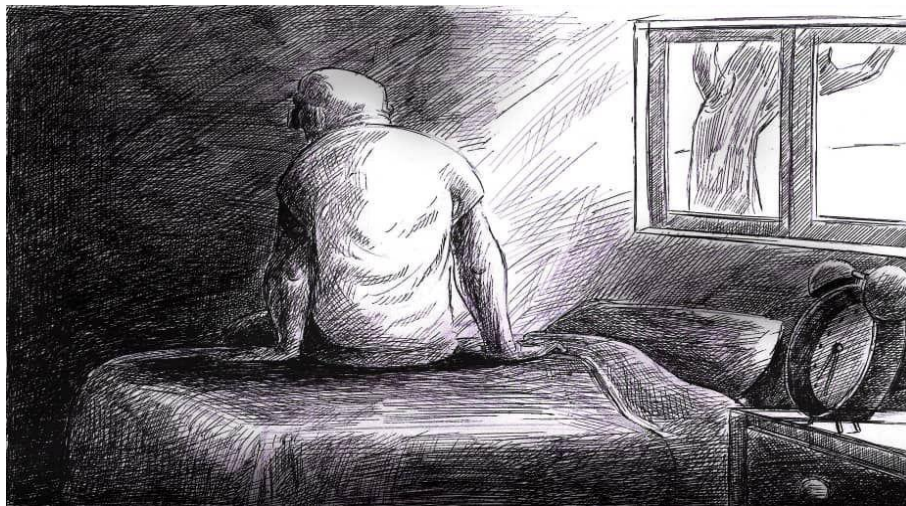
وی به صورتی غیرمستقیم و البته هنرمندانه، بزرگی جامعه عرب را به ورمی بزرگ تشبیه می‌کند که این بزرگی نه تنها مزیتی برای این خانواده محسوب نمی‌شود، بلکه خود زمینه‌ساز مرگ و نیستی است! شاعر با دخالت دادن تشبیه، مضمون مورد نظر را باورپذیر ساخته و کاربست این دست شگردها و ابزارها در انتقال معنا به مانایی در ذهن می‌انجامد.

سازه اصلی کاریکلماتورهای مطر، اعتراض به اختناق حاکم بر ممالک عربی و افشاگری مصرانه این اختناق به شیوه شاعرانه است. وی در شعر «المضمار»، جهت‌گیری تندی در برابر وضعیت اسفناک این اختناق دارد که با ابزار تشبیه آن را آورده است: «المرء فی اوطاننا/ معتقلٌ فی جلدہ منذ الصِّغر/ وتحت کل قطرةٍ من دمه/ محتيءٌ کلب أثر/ المرء فی اوطاننا/ لیس سوی إضبارة/ غلافها جلدٌ بشر/ أين المَقْر؟» (همان: ۵۴).

همچنان‌که از متن برمی‌آید، شاعر کوشیده تا با ایجازی سهل و ممتنع و خلق تصاویری کاریکاتوری، ظرفیت‌های بیان نشده زبان را به نمایش بگذارد. خواننده با دقت در عبارات، گویی در حال مشاهده کاریکاتوری است که زائیده نگرشی خاص و استخراجی دلنشین از یک واقعیت تلخ، که همان اختناق موجود در ممالک عربی است، می‌باشد.

کاریکلماتور و عکس واقع

در استراتژی «عکس واقع» معنا و کارکرد، عکس می‌شود و بدیع، شگفت‌انگیز و گاهی حتی مهمل به نظر می‌رسد، اما پس از تأمل مشخص می‌گردد که این شیوه نه تنها مهمل نیست بلکه شگفت‌انگیز و خنده‌آور است. «أحمد مطر» در سروده‌های خود از این ابزار در ترسیم کاریکاتور وازگانی بهره‌گرفته است. به عنوان مثال: «صباح هذا اليوم/ أيقظني منبه الساعة/ وقال لي: يا ابن العرب/ قد حان وقت النوم^{۱۲}» (همان: ۸).



شاعر با وارونه‌گرایی در کارکرد ساعت - که یکی از کارهای آن بیدارنمودن انسان‌ها برای آغاز کار و فعالیت روزانه است - بر آن است چنین به مخاطب القا کند که جامعه عربی، جامعه‌ای افسرده و ناامید است که به لطف دست‌نشان‌دگی و ستم حاکمان آن، برای آینده خود برنامه‌ای ندارد، به گونه‌ای که بعد از خواب شبانه، برای خواب حقیقی آماده می‌شوند؛ چرا که بیداربودنشان مفید فایده نیست و نفعی برای کسی ندارد! البته این وارونه‌گرایی گویای این واقعیت است که «أحمد مطر» برای بیان مفاهیم ذهنی خود، از هر ابزاری هنرمندانه بهره می‌گیرد تا کلام خویش را به بهترین شکل به مخاطب القا نماید. در جایی دیگر نیز شاعر برای فرادید قراردادن کاریکلماتور خود از ابزار «عکس

واقع» بهره گرفته و آورده است: «باسم والینا المبعجل... / قرروا شنقَ الذي اغتالَ أخي / لكنه كانَ قصيراً / فمضى الجلاذُ يسأل... رأسه لا يصلُ الحبلُ / فماذا سوف أفعل؟ ... بعدَ تفكيرٍ عمیقٍ / أمر الوالی بشنقی بدلاً منه / لأني كنتُ أطول^{۱۳}» (همان: ۹۶).

در این شعر، واقعیت و حقیقت وارونه می‌شود و بجای متهم، شاکی تحت تعقیب حکومت قرار می‌گیرد. در واقع شاعر در این قصیده با کاریکاتوریزه نمودن واقعیت، حوادث تلخی که برایش اتفاق افتاده را فراروی خواننده قرار می‌دهد؛ زیرا حکومت بعث، بعد از قتل برادر وی «زکی»، بجای پیگیری و بازداشت قاتل برادر، حکم دستگیری شاعر را صادر می‌کند و در پی این امر، وی به خارج از کشور فرار می‌کند. داستان هرچه که باشد، کاریکلماتور ارائه‌شده این حقیقت را برای مخاطب بازنمایی می‌کند که در جامعه عربی، قانون در بی‌قانونی، و عزت در بی‌عزتی است!

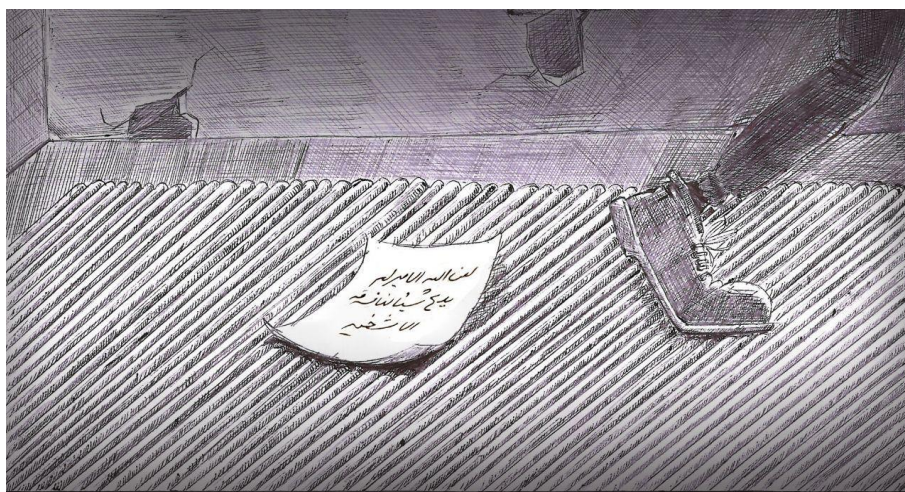
کاریکلماتور و کنایه

کنایه در لغت به معنی «ترک تصریح» است و در اصطلاح «آوردن لفظی است که غرض از آن، لازمه معنای دیگر است با جواز اراده لازم آن معنی» (سگاکي، ۱۹۳۷: ۱۷۰). به عبارت دیگر «کنایه»، آوردن ملازم یا یکی از ملازم‌های یک معنی است به جای خود آن معنی؛ یعنی آوردن ملازم یک معنی است به گونه‌ای که ابتدا معنی ملازم را دریابیم و آنگاه ذهن از معنی ملازم به معنی اصلی منتقل شود (جرجانی، ۱۳۶۸: ۵۲). کنایه شیوه‌ای از بیان است که از ساختار چند معنایی برخوردار است و به همین دلیل به عنوان یکی از پرکاربردترین شیوه‌های بازی زبانی مطرح می‌گردد.

این آرایه در اشعار «أحمد مطر» حضور پرسامدی دارد. آنچه به این آرایه برای ایجاد طنز، قدرت و توان دو چندان می‌بخشد، تنها ساخت چند معنایی آن نیست، بلکه اشاره پنهان به زوایای مخفی نکته‌ای است که شرایط اجتماعی و سیاسی، اجازه بیان صریح و آزادانه آن را نمی‌دهد و مهم‌تر اینکه، طنزپرداز از بیان آن سرباز می‌زند. مطر به عنوان شاعری که در فضای خفقان‌آور دیکتاتوری حکومت بعث زندگی می‌کند، با استفاده از تصاویری طنزآمیز، پوششی کنایه‌آمیز به شعر خویش می‌بخشد و با روایت داستان‌هایی

تحلیل کاریکلماتور در شعر «أحمد مطر» و استراتژی‌های بیانی آن ۱۷۳

در اشعار خویش، به کمک استراتژی کنایه، چهره حاکم را که باعث گرفتاری مردمان شده، اینچنین به تصویر می‌کشد و به کمک واژگان، کاریکاتوری دردمند ارائه می‌دهد: «ترک اللص لنا ملحوظة/ فوق الحصير/ جاء فيها: لعن الله الامير/ لم يدع شيئاً لنا نسرقه.../ إلا شخیر^۴» (مطر، ۲۰۰۱: ۴۷۷).



مطر در این شعر با بکارگیری تصویری مضحک، با سارقی که در حین دزدی در خانه‌ای که نشانه‌های فقر و بیچارگی صاحب‌خانه در آن هویداست و چیزی برای دزدیدن پیدا نمی‌کند، همزادپنداری می‌کند، از زبان دزد به لعن و نفرین حاکم می‌پردازد و با کنایه‌ای تهکم آمیز، او را موجب تمامی رنج مردمان فرودست جامعه معرفی می‌کند. وی با بیانی کنایه‌آمیز با هجو حکام در شعرش، تنها به دنبال نشان‌دادن چهره آنان نیست؛ بلکه از این طریق می‌خواهد آینه‌ای را در مقابلشان قرار دهد تا با دیدن چهره واقعی خود در آن و با دیدن اعمال و رفتار زشت خود، دست از این‌گونه رفتار برداشته و به راه راست هدایت شوند (صدقی و قدیمی، ۱۳۸۴: ۱۷).

شاعر بار دیگر با کاربست ابزار کنایه، به شکل زیر کاریکلماتور خود را تقویت می‌کند و به آن پویایی می‌بخشد: «بیئتنا کان العراء/ وشبابیک الهواء قارس / والسقف ماء/

فشكونا أمرنا عندَ ولي الأمر/ فاغتنم ونادي الخيراً وجميع الوزراء.../ ثم بعدَ الأخذِ والرّد/ صباحاً ومساءً/ أصدرَ الحاكمُ مرسوماً بإلغاءِ الشّتاءِ...^{۱۵}» (مطر، ۲۰۰۱: ۴۷۶)

در این متن شاعر به صورت غیرمستقیم، دوبار از ابزار کنایه بهره گرفته است؛ اول اینکه شاعر کوشیده به ترسیم حجم انبوه فقری که بیشتر خانواده‌های عربی دامنگیرش هستند، اقدام نماید، دیگر اینکه به احکام صادره از دولتمردان اشاره نموده که نه به نفع توده مردم، بلکه برای محقق‌شدن مصلحت خواص صادر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد می‌توان به این نتایج دست یافت که:

۱- «أحمد مطر» به عنوان پیشگام تکنیک کاریکلماتور در ادبیات معاصر عربی، از ظرفیت‌های زبانی به صورتی هنرمندانه بهره گرفته تا مفاهیم مورد نظر خویش را برای مخاطب باورپذیر نماید؛ وی با شناخت شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشورهای عربی و شیوه زمامداری دولتمردان عرب، کوشیده با ترفندهای بیانی و مضمون‌سازی، ناهمگون‌ها و ناهمسازی‌های محیط پیرامون خود را برجسته نماید و آن را مقابل دیدگان مخاطب خود قرار دهد. وی با بهره‌گیری از چاشنی کاریکلماتورهای خود، ضمن انتقاد از نابسامانی‌های موجود در جامعه عربی، از سمبل‌های دروغین و ساختگی، تابوشکنی می‌کند و بجای ترسیم صورت واقعی سوژه‌ها، سیرت واقعی آنان را جلوی چشم مخاطب قرار می‌دهد. می‌توان گفت بن‌مایه بیشتر کاریکلماتورهای شاعر، بن‌مایه سیاسی- اجتماعی است و ریشه در نگاه منتقدانه شاعر نسبت به آن مسائل دارد و تجسم‌گر اهداف انتقادی اوست.

۲- استراتژی‌هایی که مطر در ارائه کاریکلماتورهای خود از آنها بهره گرفته، این فرصت را به وی داده تا زبان شعری‌اش، زبانی برجسته و استوار شود و متن شعری وی از صفت مانایی برخوردار گردد؛ همنشینی کاریکلماتورهای شاعر با ابزارهای بیانی دیگر در کنار داستان‌محوری، کمینه‌گرایی و کاربست صورخیال و تصاویر شعری، تشخیص

کلام وی را در پی داشته و موجب پویایی ذهن خواننده و دخالت‌دهی وی در متن نیز شده که مورد خواست و تأکید سخن‌سنجان است.

۳- تحقیق نشان می‌دهد که کاریکلماتورهای شاعر در شمار نمونه‌هایی از پیوند ژرف و درست نوشته با تصویر به حساب می‌آیند و بسیاری از آنها از ارجاع تصویری برخوردارند؛ او به جای اینکه با خطوط نقاشی کند، با واژگان ترسیم می‌نماید؛ در پرتو استفاده هنرمندانه از این شگرد بیانی، نمونه‌های فراوانی در شعر شاعر یافت می‌شود که قابلیت به تصویرکشیدن کاریکاتور آنها و ارائه به مخاطب را دارد. با این تفاسیر می‌توان گفت که «أحمد مطر»، شاعری کاریکاتوریست، یا کاریکاتوریستی شاعر است؛ اما بهتر است گفته شود: «أحمد مطر» کاریکلماتورنویسی زبردست است.

پی نوشت‌ها

۱. در فرودگاه کشوری بیگانه، پلیس فرودگاه به من خیره شد/ پیش از آنکه پاسپورتم را بخواهد/ وقتی متوجه شد که من بی سر و زبانم/ چشم‌هایش را بست و با تاسف گفت: / خوش آمدی ای دوست عرب من
۲. «واژه گروتسک (Grotesque) از واژه ایتالیایی grotte به معنی غار است. به تزیینات و نقوش در هم آمیخته‌ای اطلاق می‌شود که در این غارها تعبیه می‌شد. گروتسک به نوعی توصیف، صحنه یا داستانی گفته می‌شود که در آن قطب‌های نامتجانس، در شکلی غیرعادی، زشت، مضحک، مهوع و ترسناک در کنار هم قرار می‌گیرند، با هم به سازگاری می‌رسند و در هم می‌آمیزند تا نشان دهند زندگی تا چه حد ماهیت توأمان تراژیک و کمیک دارد.» (اصلانی، ۱۳۸۵: ۲۰۶) «شاید بتوان گفت که تصور ما از گروتسک متأثر از نمونه‌های متعددی در ادبیات مدرن و معاصر است که در آن امر کمیک به نحو توضیح‌ناپذیر با امر هولناک تلفیق شده است؛ عناصری کاملاً بیگانه در هم بافته و سبب می‌شوند عواطفمان دستخوش تضادی غریب و اغلب ناخوشایند و اضطراب‌زا شود» (تامسن، ۱۳۹۰: ۱۸).
۳. خداوندا به ما، ملیت آمریکایی عطا کن تا در سرزمین‌های عربی با کرامت زندگی کنیم.
۴. به تنهایی می‌رفتم/ گوش و زبانم مرا همراهی می‌کردند/ ناگهان دور و برم را گرفتند/ فرمانده‌شان دستور داد او را بگیرید/ پرسیدم اتهام من چیست؟/ گفته شد تجمع مشکوک

۵. امروز سگ جناب حاکم والامقام مرا گاز گرفت و مُرد/ مأموران امنیتی مرا برای اعدام فراخواندند/ زیرا سگ جناب حاکم مسموم شد
۶. وقتی که شب فرا می‌رسد/ مادر بزرگم برایمان افسانه می‌خواند تا بخوابم/ مادر بزرگم عاشق راه و روش‌های نظام است.
۷. امروز موشی دیدم/ که دربارهٔ پاکیزگی سخنرانی می‌کرد/ و آلودگی‌ها را به مجازات تهدید می‌کرد/ در همان‌حال که مگس‌ها پیرامونش کف می‌زدند.
۸. ناسازواری، هنری زبانی- بلاغی و بازی ماهرانه و هوشمند، بین طرفین نویسنده و خواننده است؛ به نحوی که پدیدآورنده، متن را به سمتی که خواننده را جلب کند، پیش‌برده و با معنای تحریفی که مطابق معنای پوشیده است و اغلب معنی متضاد دارد، او را به رد آن فرا می‌خواند. این احساس متفاوت خواننده تا جایی است که واژه‌ها را با هم درگیر کرده و سرانجام به معنی مورد رضایت و قانع‌کننده، دست می‌یابد. ناسازواری تفکری است بر انکار اختلاف بین اوضاعی که سزاوار است باشد و اوضاع کنونی که سایه‌افکننده است، نوعی حُسن‌تعبیر یا روشی غیرمستقیم برای اصلاح عیوب جامعه، رابطه‌ای سرّی بین نویسنده و خواننده که هنگام وحشت و خفقان بروز می‌نماید. از جمله جنبه‌های زیباشناختی ناسازواری ایجاز و تناقض در معنا می‌باشد (واقف‌زاده و جهانوند، ۱۳۹۷: ۱).
۹. پس از آنکه سگ تعقیبش کرد و خستگی رنجورش نمود/ گربه با سبیل تاب‌داده روی دیوار ایستاد/ به موش گفت: اجداد من شیرند/ موش پرسید: آیا شما عربید؟
۱۰. خانواده ما بزرگ است اما اینکه ورم بزرگ‌شود، نشانهٔ سلامت نیست.
۱۱. انسان در سرزمین‌های ما/ از کودکی در پوست خود بازداشت شده است/ و زیر هر قطرهٔ خونش/ سگ تعلیم‌دیده‌ای پنهان است/ انسان در سرزمین‌های ما/ پرونده‌ای بیش نیست/ و پوستش جلد این پرونده/ کجاست راه فرار؟
۱۲. امروز صبح/ زنگ ساعت بیدارم کرد/ و به من گفت: عرب‌زاده/ وقت خواب فرارسیده است.
۱۳. به نام نامی حاکم/ دستور اعدام قاتل برادرم صادر شد/ اما قد قاتل کوتاه بود/ جلاد برای کسب تکلیف نزد حاکم رفت: سرش به طناب نمی‌رسد/ چه باید کرد؟ .../ حاکم بسیار اندیشید/ سپس فرمان داد تا مرا به جای او به دار آویزند/ زیرا قد من بلندتر بود.

۱۴. دزد برای ما یاداشتی روی حصیر گذاشت/ در آن آمده بود: خداوند امیر را لعنت کند/ چیزی برای دزدیدن برای ما باقی نگذاشت/ مگر خرناسی.

۱۵. خانه‌مان فضای باز بود/ و پنجره‌های آن سرد/ سقف آن، آب/ از مشکلاتمان نزد امیر شکایت کردیم/ فرصت را غنیمت شمرد و کارشناسان و همه وزیران را فرا خواند/ سپس بعد از بگو مگو/ و صبح و شب کردن/ حاکم دستوری مبنی بر لغو زمستان صادر کرد.

منابع و مأخذ

- اصلانی، محمد رضا (۱۳۸۵)؛ فرهنگ و اصطلاحات طنز، تهران: انتشارات کاروان
- تامسن، فیلیپ (۱۳۹۰)؛ گروتسک، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸)؛ دلانل الإعجاز في القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حسین، یسری (۱۹۸۹)؛ حوار مع احمد مطر، جریده البیان، ۲۸ ژانویه، صفحه ۸.
- حسینی، حسن و موسی بیدج (۱۳۸۰)؛ نگاهی به خویشتن، تهران، انتشارات صدا و سیما.
- رستگارفسایی، منصور (۱۳۸۰)؛ انواع نثر فارسی. چاپ اول، تهران: سمت.
- سگاکي، یوسف بن أبي بکر (۱۹۳۷م)؛ مفتاح العلوم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)؛ انواع ادبی، ج ۱، تهران: فردوس.
- طالبیان، یحیی (۱۳۹۱)؛ کاریکلماتور در گستره ادبیات فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات فصل پنجم.
- غنیم، کمال احمد (۱۹۹۸)؛ عناصر الإبداع الفني في شعر احمد مطر، الطبعة الاولى، قم: منشورات ناظرین.
- مطر، أحمد (۲۰۰۱)؛ الاعمال الشعرية الكاملة، الطبعة الثانية، لندن: لامکان.
- اکسیر، اکبر (۱۳۸۷)؛ «نیم نگاهی به طرح و کاریکلماتور «ماه نگران زمین است»، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۸۳، شماره ۲۴۳۱۴.
- حسین پور، علی (۱۳۸۵)؛ «کاریکلماتورنویسی»، مجله رسانه دانشگاه (مجله علمی فرهنگی روابط عمومی دانشگاه کاشان)، دوره ۷، شماره ۲۸: صص ۹۸-۱۰۱.
- صدقی، حامد و مرتضی قدیمی، (۱۳۸۴)، «مهمترین عناصر شعر أحمد مطر»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب، سال اول، شماره ۳: صص ۹۰-۶۹.
- صلاحی، عمران (۱۳۸۴)؛ «خنده و مشتقات آن»، ماهنامه دنیای سخن، شماره ۱۹ (تیرماه): صص ۶۲-۶۳.

- طالبیان، یحیی و فاطمه تسلیم جهرمی (۱۳۸۸)؛ «ویژگی‌های زبان طنز و مطایبه در کاریکلماتورها»،
مجله فنون ادبی، سال اول، شماره ۱: صص ۴۰-۱۳.
- واقف‌زاده، شمس‌ی و داوود جهانوند (۱۳۹۷)، «بررسی ژرف‌ساخت‌های ناسازواری در طنز تلخ
احمد مطر»، دوفصلنامه علمی پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، ش ۱۷: صص ۱۲۹-۱۰۷.
- <http://www.bashgah.net/fa/content/show/40762>

دراسة الكاريكاتير الشعري في أشعار أحمد مطر وآلياته التعبيرية

حسين مرتضائي^١

محسن سيفي^٢

علي نجفي ابوكي^٣

الملخص

للكاهة الشعرية أشكال عديدة وأنماط مختلفة ومنها الكاريكاتير الشعري يطلق على نوع من الكتابة الفكاهية القصيرة التي تنظر إلى العالم بموقفها المختلف من أجل إبراز التناقضات والظواهر المحيطة بها. هذا وإن أحمد مطر هو الأكثر شهرة في مجال توظيف هذه التقنية الشعرية من بين الشعراء الكوميديين العرب المعاصرين؛ فهو شاعر ملتزم يعيد بناء ذات شخصياته الشعرية بأساليب فكاهية ليسلط الضوء على تناقضاتهم الروحية مشيراً إلى كذبهم في القول ونفاقهم في العمل حيث لا يرفقون القول بالعمل. على ضوء أهمية المسألة ودورها في فهم نصوصه الشعرية تحاول الدراسة هذه بمنهجها الوصفي - التحليلي في خطواته الأولى تحديد مفهوم الكاريكاتير الشعري وتقديم أمثلة منه في ديوان أحمد مطر كرائد لهذه التقنية في الأدب العربي المعاصر، وفي الخطوة التالية تتعاطى آليات استخدامها الشاعر في تعبيره الفكاهي ضمن هذه التقنية الشعرية. وبما أن الشاعر رسّام الكاريكاتير، فقد أتينا بعدد من كاريكاتيره الشعري تجسيداً لما في خلدته من المفهوم الشعري. والدراسة تدعونا بالاعتقاد إلى أن أحمد مطر حاول بهذا الفن الأدبي أن يكشف اللثام عن الحكام العرب الذين لا يرفق كلامهم بالعمل ولا تنتهي محاولتهم إلى النتيجة المطلوبة. من ناحية أخرى سعى الشاعر أن يتصوّر انفعالية المواطنين العرب تجاه القضايا وأن يجعله نصب أعين المتلقين حتى يصل إلى مبتغاه النهائي وهو كشف مساويء الحكام وإرشاد الناس .

الكلمات الرئيسية: الفكاهة، الكاريكاتير الشعري، آليات التعبير الشعري، التجسيد، أحمد مطر.

١-طالب دكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة كاشان، اصفهان، إيران.

٢-استاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها بجامعة كاشان، اصفهان، إيران.

٣-استاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها بجامعة كاشان، اصفهان، إيران.

Analysis of karikalamator in Ahmad Matar's poetry and its rhetorical strategies

Hossein Mortezaie, The PhD Candidate of Arabic Language and Literature, University of Kashan, Iran

¹Mohsen Seifi, Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Kashan, Iran

Ali Najafi Ivaki, Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Kashan, Iran

Received: 25-12-2018

Accepted: 01-02-2020

Abstract

There are a plenty of templates and styles for the comic genre of writing. One of these templates is karikalamator, a kind of writing stunt from a different point of view to highlight the contradictions of the world and the phenomena in it. Among contemporary Arab comedians, Ahmad Matar is one of the most prolific and famous authors in this field. As a committed poet, in his poems, he recreates his subjects in his poems and presents the spiritual conflicts and inconsistencies of speech and action to his audience. In his caricatures, he uses some tools and strategies like alliteration, personification, simile, allusion, Irony, paradox, antonomasia, and half-truth. In this article using a descriptive-analytical method, first, the samples of his karikalamator are presented in the poems of Ahmad Matar as a master of this technique in the contemporary Arabic literature. Then, the strategies that have been used by the poet are categorized and described. Since Ahmad Matar was a caricature designer, some cartoons and caricature patterns have been attached to his karikalamator to show the visual capability of his karikalamator. The results of the research reveal that Ahmad Matar utilizes karikalamator as a method to show the existing contradictions and differences on the one hand and to unmask the reality of inactive and garrulous governors as well as the indifference and incuriosity of Arab citizens on the other hand. In this regard, he dreams of the ignominy of governors and betterment of the people of his land.

Keywords: Humor, Caricature, Rhetorical strategies, Overstatement, Ahmad Matar.